

خصوصی‌سازی موفق نبوده‌است

هرگونه تصمیم‌گیری برای اموال شستا که اموال کارفرمایان و کارگران به‌شمار می‌آید، در واقع تصمیم‌گیری برای اموال غیر است و بدون جلب موافقت این دو گروه، غیرقانونی به‌نظر می‌رسد. وقتی یک بازنشسته از اموال پرداختی خود مبلغی را در صندوق جمع‌آوری می‌کند به این امید است که به کار فردای وی بیاید. اما در طول زمان به‌دلالی که بسیار از آن گفته شده، بر این اموال و صاحبان اصلی آن‌ها چفا شده، سودآوری موردنظر حاصل نشده و اهداف اولیه برای شکل‌گیری این صندوق‌ها، به فراموشی سپرده شده است. سوال مهمی که از بحث واگذاری اموال شستا به میان می‌آید این است که آیا دولت در واگذاری اموالی که به نایب‌ت از ملت در اختیار دارد، موفق بوده و در خصوصی‌سازی به نتایج مطلوبی رسیده که حالا توصیه به واگذاری اموال کارگران و بازنشسته‌ها بکند؟ اول باید پاسخ این موضوع را داد و بعد از آن در مورد واگذاری شرکت‌های شستا که قطعا آینده روشنی پیش‌روی آن نخواهد بود، صحبت کرد. به اعتقاد اغلب نمایندگان جامعه کارگری، مسیری که شرکت‌های شستا در آن قرار گرفته‌اند، کاملا اشتباه است و قطعا باید اصلاح شود. در مورد این شرکت‌ها معمولاً سیاستون بدون مشارکت شرکای اجتماعی اظهارنظر می‌کنندو شستا بیش از آنکه صندوقی برای سرمایه‌گذاری از اموال پرداختی کارگران و کارفرمایان باشد، به محلی برای آمدوشد سیاستیون مبدل شده است. در سال‌های گذشته جریان‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی بانفوذ در مدیریت شستا و شرکت‌های آن، ناکارآمدی شستا را افزون کرده‌اند و رقابت آن‌ها برای ورود به شستا بیش از همه بر وضعیت آن تأثیر نامطلوب داشته است و اصلاحات موردنظر دولت فعلی هم هنوز به‌تمر نرسیده‌است. درست است که واگذاری این شرکت‌ها در ظاهر تغییرات خوبی را می‌تواند برای شرکت‌ها ایجاد کند و همه چیز به اسم خصوصی‌سازی جذاب به نظر می‌آید، اما واقعیت چیز دیگری است. منطق می‌گوید که این شرکت‌ها باید به صاحبان واقعی که هم دلسوزی بیشتری نسبت به منابع شستا دارند و هم قارغ از تصمیم‌های دولتی‌ها برای شستا برنامه‌ریزی می‌کنند، واگذار شود که این امر در نهایت می‌تواند بهره‌وری شرکت‌های شستا را تضمین کند، بنابراین شایسته‌ترین افراد برای در اختیارگرفتن شستا کارگران، کارفرمایان و بازنشستگان هستند که در اداره شستا محق‌ترند. پیشنهاد اصلی برای انجام این کار و واگذاری مالکیت واقعی شستا به مالکان اصلی آن، تشکیل تعاونی مشترک ملی با مشارکت کارفرمایان و کارگران است. طبیعتا با استقلال این شرکت‌ها از دولت، زمینه سودآوری آن‌ها مستعدتر می‌شود و از سوی دیگر، این شرکت‌ها کمک‌حال سازمان تامین اجتماعی می‌شوند درحالی که در شرایط فعلی در تنگنا به‌سر می‌برند، بنابراین واگذاری مسئولیت اداره شستا به کارگران، هم این شرکت‌ها را به سودآوری خواهد رساند و هم از این نظر که کمک‌حال سازمان تامین اجتماعی است، آینده قشر کارگر را تضمین خواهد کرد.

عضو کارگری شورای عالی کار



کاهش بدهی دولت به بانک مرکزی

وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه بدهی دولت به بانک مرکزی ۷/۴درصد کاهش یافته است، تاکید کرد که تصمیمی درباره سود بانکی گرفته نشده است. به گزارش «مهر»، فرهاد دژپسند در حاشیه نشست با مدیران عامل بانک‌ها، درباره برنامه‌های وزارت اقتصاد برای بانک‌ها اظهار داشت: «شرایط اقتصادی کشور به‌گونه‌ای است که نیاز داریم بانک‌ها حضور فعال‌تری در عرصه اقتصاد داشته باشند.» وی افزود: «برای تسریع در رسیدن به اهداف، جلسه‌ای با مدیران عامل بانک‌های دولتی برگزار کردیم تا با مشارکت یکدیگر روش‌هایی را طراحی کنیم که به خدمت‌رسانی بانک‌ها به اقتصاد کشور سرعت ببخشیم.»

۰۴ | کتینه‌و



شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی را بحق مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سرمایه کارگران کشور لقب داده‌اند. شرکت‌های زیرمجموعه شستا بیش از سه دهه پیش با دو میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شروع به کار کرده‌اند و در حال حاضر با سرمایه‌ای بالغ بر ۶۰ هزار میلیارد تومان فعالیت می‌کنند. از کل سرمایه‌های شستا، ۵۹درصد بابت بدهی‌های معوقه دولت‌های گذشته به سازمان تامین اجتماعی واگذار شده و ۴۱درصد سرمایه‌های شستا نیز سهام شرکت‌های دیگری است که این مجموعه در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. ترکیب سود فعلی شستا نیز به این صورت است که سود حاصل از محل سهم ۵۹درصدی واگذاری دولت ۲۴درصد و سود به‌دست آمده از ۴۱درصد سهام خریداری شده توسط سازمان در سایر شرکت‌ها ۷۶درصد در سال است که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب عملکرد بسیاری از شرکت‌های واگذارشده توسط نهاد دولت به سازمان تامین اجتماعی است. نکته‌ای که کارشناسان از آن تحت‌عنوان واگذاری شرکت‌های زیان‌ده به شستا در قالب رد دیون نهاد دولت، یاد می‌کنند.

بحث واگذاری سهام شستا در بورس، امسال تقریباً پیش از تقدیم لایحه بودجه توسط رئیس‌جمهور به مجلس جدی شد و چند مسئله کلیدی در خصوص چگونگی این واگذاری به میان آورد. از جمله اینکه این واگذاری چگونه عملیاتی خواهد شد و با فرض امکان واگذاری‌های سهام شستا، چه شرکت‌هایی قرار است واگذار شوند و چه شرکت‌هایی نه؟ این واگذاری‌ها باید به سمت چه نوع سهام‌داری برود و چه جذابییتی برای بخش خصوصی خواهد داشت؟

مسئله مهم دیگر بستر بورس برای پذیرش سهام شرکت‌های شستا و تأثیرپذیری بورس از آن است.



اینکه هنوز شرایط و بستر بورس برای پذیرش شرکت‌های تازه فراهم نشده، اما مسئولان چه در وزارت رفاه، چه بانک‌ها و چه در شرکت‌های شبه‌دولتی و شرکت‌های وابسته به دولت، اعلام می‌کنند که ما می‌خواهیم شرکت‌های جدیدی را وارد بورس کنیم، یعنی یک جای کار ایراد دارد.

اگر اراده‌ای جدی بر عرضه سهام وجود داشت اول از همه باید شرایط جذب نقدینگی در بازار سرمایه فراهم

اینکه آیا بورس آمادگی جذب این سهام را دارد یا نه و دیگر آنکه این امر چه مزیتی برای بازار سرمایه خواهد داشت؟ از یک بُعد دیگر تأثیر این واگذاری‌ها بر بهبود شرایط دارایی‌های سازمان نیز محل بحث است. به‌عبارت دقیق‌تر مسئله مهم این است که آیا این واگذاری به‌طور کلی انتظارات بیمه‌شدگان، واگذارکننده و پذیرنده این سهام یعنی بازار بورس را برآورده می‌کند یا نه؟

به اعتقاد کارشناسان چند نکته اساسی در خصوص این واگذاری‌ها مطرح است؛ اول اینکه بسیاری از این نگاه‌ها زیان‌ده هستند و تضمینی بر افزایش بهره‌وری آن‌ها پس از واگذاری نیست و از سوی دیگر، مشخص نیست این سهام بعد از واگذاری به‌دست‌بخش خصوصی واقعی برسد یا نه؟ تقریباً دو ماه از تأکیدات اولیه رئیس‌جمهور مبنی بر عرضه دارایی‌های شستا به بازار سرمایه می‌گذرد که دکتر روحانی به‌تازگی نیز در بازدید از وزارت کار، بر ضرورت این واگذاری و عرضه آن به بخش خصوصی واقعی تأکید

کرده است. علی ربیعی، وزیر پیشین تعاون، کار و رفاه اجتماعی سال گذشته وعده داد که ۱۵۰ شرکت وابسته به شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری به بخش خصوصی واگذار می‌شود و تیرماه امسال نیز اعلام کرد تا پایان سال، ۶۰ شرکت وابسته به شستا واگذار خواهد شد. اما مسئله این است که صلاحیت شرکت‌های شستا در بازار سرمایه به‌دلالی از جمله تأیید نشدن صورت‌های مالی توسط حسابرِس و قرارنگرفتن در پروتکل‌های شفافیت سازمان بورس و بدهی‌های آن‌ها به سازمان امور مالیاتی و تامین اجتماعی تأیید نشده و همین



مروری بر آخرین تحولات پیرامون سیاست‌های صیانت از بزرگ‌ترین سرمایه بیمه‌شدگان

خیز تازه شستا به سوی سهام‌داری

اتفاق می‌تواند برای عرضه بورسی برخی دیگر از شرکت‌های وابسته به شستا نیز اتفاق بیفتد. از سوی دیگر روند کاهشی سود شرکت‌های شستا –البته سود آن دسته از شرکت‌ها که سودآوری دارند– تقریباً از سال ۹۳ شروع شده و از آن زمان تا به حال عدم تعادل بین مصارف و منابع و درآمدها همواره از جمله مهم‌ترین مشکلات شستا بوده است.

■ **کشش کم بورس برای پذیرش عرضه‌های جدید**
مهدی طهانی، کارشناس بازار سرمایه در خصوص بحث‌های جدید رئیس‌جمهور درباره شستا به «آینه‌نو» می‌گوید: «ورود شرکت‌های شستا به بازار سرمایه کمک زیادی به ایجاد شفافیت در این شرکت‌ها خواهد کرد که در حال حاضر یکی از نیازهای ضروری آن‌هاست. اما مسئله این است که بسیاری از این شرکت‌ها زیان‌ده هستند و همین امر مانع از ورود آن‌ها به بازار سرمایه می‌شود. قبل از واگذاری، لازم است میزان

زیان‌دهی و سودآوری شرکت‌ها روشن شده و از طرفی نحوه واگذاری‌ها هم شفاف باشد. برای مثال، این شفافیت کمک می‌کند میزان کلی بدهی این شرکت‌ها بیان شده و زمینه برای پرداخت آن فراهم آید که به تبع، جریان ورود آن‌ها به بورس را تسریع خواهد کرد.» وی با اشاره به اینکه بازار سرمایه نیز در کشور آن‌قدر جان‌نیفتاده تا محلی برای جذب هرچه بیشتر نقدینگی باشد، ادامه می‌دهد: «عرضه شرکت‌های شستا اگر بدون توجه به وضعیت کنونی بازار باشد، می‌تواند به شکست عرضه و عدم استقبال از عرضه تبدیل شود که مشکلات شستا را

چند گام اساسی برای ورود شستا به بورس

شده و سهام بانک‌ها به آن منتقل شود. سوم، صندوق سرمایه‌گذاری سهام به‌وجود آید و مالکیت سهام عدالت به آن منتقل شود. چهارم، صندوق سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی شکل گرفته و تمام مالکیت سهام تامین اجتماعی به آن هدایت شود و هم‌زمان با این اقدامات اوراق بدهی مثل سکوک و خزانه توسط دولت منتشر شده و در تمام این صندوق‌ها اوراق تبعی با نرخ ۲۰درصد عرضه شود.

در کنار این موارد لازم است نرخ سود بانکی به زیر پنج درصد در بانک‌ها کاهش پیدا کند یا بانک‌ها از داشتن حساب سپرده سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری



یکشنبه ● ۱۲ اسفند ۱۳۹۷ ● شماره صد و نود و سه

A T I V E H N O

دو چندان خواهد کرد. از سویی مشکل اساسی بازار سرمایه کمبود نقدینگی است که کشش این بازار برای جذب هرچه بیشتر تازه‌واردان و عرضه‌های جدید را کم می‌کند. به بیانی دیگر، باید تأکید کرد که بازار سرمایه توانایی جذب این شرکت‌ها را ندارد و در شرایط فعلی با کمبود نقدینگی روبه‌رو است. وقتی بازار سرمایه نقدینگی نداشته باشد، عرضه با ایجاد نوسان در بازار، به مشکلات آن اضافه می‌کند. درست مثل اقدام تبدیل سود روزشمار به ماه‌شمار که هرچند در ظاهر امر مثبت به نظر می‌رسید، اما به این دلیل که بانک‌ها اجرای آن را دور زدند، اثر مثبتی برای بازار سرمایه نداشت و حتی به ضرر آن هم تمام شد. شرایط بورس را مساعد می‌کند، مانع از تحقق اهداف فعالان بازار سرمایه می‌شوند. به همین دلیل منشأ تورم فعلی نیز ناشی از سپرده سرمایه‌گذاری بانک‌ها، فعالیت بانک‌ها و به زیان بورس است و مادامی که نظام بانکی اصلاح نشود، مشکلات بازار سرمایه نیز حل نخواهد شد.»

■ **بورس برای پذیرش شستا کوچک است**
طهانی با تأکید بر اینکه بورس، کوچک است و عرضه‌ها زیاد، ادامه می‌دهد: «بازار سرمایه زمانی می‌تواند رشد کند و بزرگ شود که قوانین کشور بر علیه آن نباشد و کاملاً شفاف باشد، اما در زمان کنونی این بازار به‌دلیل سیاست‌های نادرست و عرضه‌های هیجانی، کوچک مانده است و بازار کوچک سرمایه طبیعتاً نمی‌تواند، تقاضای لازم برای شرکت‌های عرضه‌شده را تامین یا تضمین کند. بنابراین اگر صحبتی مبنی بر عرضه‌های جدید به بورس می‌شود، باید دید آیا در بازار سرمایه اقداماتی انجام شده یا قرار است شرایط تغییر کند یا نه، اگر نه، احتمالاً این عرضه‌ها به سرانجامی نمی‌رسد و فعالان بورس را نیز خوشحال نخواهد کرد.»

هم‌زمان با کاهش سود بانکی اجتناب کنند. با فرض خوش‌بینانه که این موارد در حال انجام باشد و این چند گام اساسی برداشته شود، اراده عرضه سهام شرکت‌های شستا به بخش خصوصی واقعی جدی خواهد بود. نه تنها بخش خصوصی واقعی می‌تواند این شرکت‌ها را به‌صورت نقد و اقساط در اختیار بگیرد، بلکه مردم هم به‌صورت نقد و اقساط می‌توانند در سهام این شرکت‌ها سهیم باشند. اما مسئله اساسی این است که بازار سرمایه در شرایط فعلی آمادگی کافی برای جذب این سهام را ندارد و بستر این بازار برای پذیرش این سهام مهیا نشده است.

کارشناس بازار سرمایه

ضرورت نظارت در واگذاری‌ها

شده، در طول مدتی معین، ایرادات برطرف شده و بعد از حل مسئله، واگذاری اتفاق بیفتد که البته به‌نظر نمی‌رسد انجام این کار برای دولت، چندان سخت باشد. با توجه به وضعیتی که شرکت‌های شستا دارند حداقل در یک سال می‌توان این شرکت‌ها را به سودآوری لازم رساند یا حداقل از زیان‌دهی و شرایط فعلی دور کرد. موضوع دیگر نوسانات بورس است که شرایط مطمئنی را برای شرکت‌ها ترسیم نخواهد کرد. هرچند ورود این شرکت‌ها به بازار سرمایه جریان سودآوری آن‌ها را تسهیل می‌کند و به‌دلیل شفافیت بورس، آینده‌بهتری را برای شرکت‌ها رقم می‌زند، اما سودآوری صددرصدی این شرکت‌ها، قابل پیش‌بینی نیست، معمولاً در بازار سرمایه

کارگران وارد نیاید. در غیر این صورت عملاً بسیاری از کارگران متضرر خواهند شد و همان اتفاقاتی که برای سایر واگذاری‌ها افتاد برای شستا هم خواهد افتاد. عدم‌نظارت در فرایند واگذاری‌ها فاجعه بزرگی برای شرکت‌های عظیم شستاست. یک بخش مهم از مسئولیت این نظارت با وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی است که هم در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت به این موضوع توجه داشته باشد. بررسی شرکت‌های زیان‌ده، میزان زیان آن‌ها و مدت زمانی که باید واگذار شوند در این فرایند نظارتی بسیار موردتوجه است. به‌عنوان مثال، اگر فلان شرکت سرمایه‌گذاری شستا دارای قطعه‌ضعف‌هایی است و علت آن، شناسایی



اصل قضیه واگذاری شرکت‌های شستا به‌عنوان یک سیاست اصولی، کاملاً درست است و جلو بسیاری از رانت‌ها، امضا‌های طلایی و سوءمدیریت‌های سهوی و عمدی را خواهد گرفت و عمده ذی‌نفعان اجرای این سیاست هم از این پس کارگران خواهند بود. اما نکته قابل‌تأمل آن است که فرایند این واگذاری‌ها باید با طمانینه، آرامش و برنامه‌ریزی دقیق باشد. به‌عبارتی دولت باید با برنامه‌ریزی توأم با نظارت این واگذاری‌ها را مرحله‌به‌مرحله صورت دهد تا کمترین خسارتی به

کارشناس اقتصادی